علمی ـ پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال نوزدهم، شمارهٔ ۷۴ «ویژهٔ پژوهش‌های حدیثی»، بهار ۱۴۰۱، ص۴۷-۶۵

بازشناسی کتاب «بصائرالدرجات» و بررسی تحلیلی روایات و چالشِ انتساب آن به صفار قمی

علی محمدی آشنانی[۱] / زهرا قطبی[۲] / علی احمد ناصح[۳]

چکیده

کتاب بصائرالدرجات منسوب به صفار قمی، از جمله کتب متقدم شیعه محسوب و جایگاه مهمی در منظومه اعتقادی شیعه در مسأله امامت دارد و حاوی ۱۸۸۱ روایت است؛ در مورد این کتاب، دو چالش؛ انتساب بصائر به صفار قمی و وجود روایات غلوآمیز در آن، بحث‌های زیادی را برانگیخته است.

پژوهه پیش‌رو، به صورت توصیفی ـ تحلیلی، علاوه بر بررسی شخصیت علمی صفار و نقش او در انتقال معارف اعتقادی شیعه، به بررسی کتاب بصائرالدرجات تنها اثر باقی مانده وی، پرداخته و روایات آن را، بازکاوی و بررسی نموده است.

یافته‌های این پژوهش، نشانگر آن است که انتساب این کتاب به صفار، قطعی می‌باشد و بحث‌های چالشی برخی در انتسابِ بصائر به وی، از قرن پنجم نشأت می‌گیرد که جو حاکم بر محافل امامیه، تحت تأثیر عقل‌گرایی، این بود که گرایش فکری اهل‌سنت را آشکارا به چالش نکشند، همین امر سبب شد نسبت به محتوا و ماهیت کتابِ بصائرالدرجات، با نوعی از کتمان، طوری وانمود شده که گویا این کتاب متعلق به صفار قمی نیست. چالش دوم؛ یعنی وجود روایات غلوآمیزِ هر چند اندک در بصائر، ناشی از تفاوت مبانی و روش ابن داوود حلی با وی و متأثر از اختلافِ معنا و مصادیق غلو، نزد محدثان و عالمان قرن چهارمِ شهر قم بوده است.

کلید واژه‌ها:
بصائرالدرجات، صفار قمی، امامت، غلو، علوم حدیث.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، نویسنده مسئول، dr.mohammadi.quran@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک ghotbizahra@gmail.com
۳. استاد تمام دانشگاه قم aliahmadnaseh@yahoo.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

مقدمه

جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر ﷺ بسان نهالی نوپا، با ناملایمات مختلفی چون منع حدیث و به انزوا کشاندن معلم و مبین‌های حقیقی قرآن، مواجه بوده است. اما شیعیان با وجود منع حدیث، به‌دستور ائمه علیهم‌السلام به‌نگارش و کتابت روایات، مبادرت ورزیدند؛ بدین‌سان با نگارش کتب متعدد حدیثی در عصر هر امامی، میراث روایی پیامبر و دیگر معصومین علیهم‌السلام مورد حفاظت قرارگرفت.

یکی از معروف‌ترین کتاب‌های روایی شیعه، کتاب بصائرالدرجات است که در عصر ائمه علیهم‌السلام در قم به نگارش درآمد. این کتاب، دارای ۱۸۸۱ روایت، در مسئله امامت و شأن و مقامات علمی ائمه علیهم‌السلام است.

پژوهه پیش‌رو علاوه بر بررسی شخصیت علمی صفار و نقش او در انتقال معارف اعتقادی، به شناخت جامعی از تنها اثر باقی مانده وی به نام بصائرالدرجات در ابعاد مختلف پرداخته است. در این گستره سعی شده که با بازخوانی دو مقوله بحث برانگیز؛ انتساب بصائر به صفار و وجود روایات غلوآمیز در آن پرداخته شود. شایان ذکر است پیرامون بصائر و نویسنده آن، تحقیقاتی در قالب پایان‌نامه‌هایی تحت عنوان «بررسی صحت انتساب کتاب بصائرالدرجات به سنت فکری شیعه امامیه» توسط حسین غفاری‌ثمر؛ «تصحیح بصائرالدرجات فی علوم آل‌محمد» به قلم علیرضا زکی‌زاده رنانی و «گستره علم امام در مقایسه روایات اصول کافی و بصائرالدرجات» به نگارش عبدالرضا حمادی درآمده است. که محتوای این سه پایان‌نامه در مقالات «مقایسه محتوای کتاب بصائرالدرجات با منابع معتبر روایی شیعه»؛ «استثنای ابن ولید و تأثیر آن در اعتبار بصائرالدرجات» و «گستره علم امام از منظر کلینی و صفار» انعکاس یافته‌است. همچنین پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «بن‌مایه‌های قرآنی در جزء ۲ و ۳ بصائرالدرجات» به نگارش فاطمه تاکی؛ «بررسی غلو در روایات علم اهل‌بیت از کتاب بصائرالدرجات» توسط داوود افقی؛ «نظریه ولایت تکوینی از دیدگاه عالمان امامیه ۵ قرن اول» به نگارش جعفر رحیمی و «محمد بن حسن الصفار و کتاب بصائرالدرجات» توسط مجید

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

جعفری ربانی و نیز مقالاتی تحت عناوین «نگاهی به کتاب بصائرالدرجات» توسط مهدیه دهقانی و «نیم نگاهی به کتاب بصائرالدرجات» توسط هادی مروی، صورت پذیرفته‌است. اما این پژوهه، به صورتی جامع، به بازشناسی کتاب بصائرالدرجات و مؤلف آن و انتساب آن به صفار، گونه شناسی روایات و ارزشیابی آنها از منظر منبع و رجال آن، پرداخته‌است.

۱. ترجمه و معرفی صفار

نام کامل وی، برابر نگاشته خود کتاب بصائرالدرجات و به نقل نجاشی در کتاب رجال، چنین است: «محمد بن الحسن بن فروخ الصفار مولی عیسی بن موسی بن طلحة بن عبید الله بن السائب بن مالک بن الاشعری ابو جعفر الاعرج». علمای رجال معتقدند که کنیه وی «ابوجعفر» می‌باشد که گاهی با لقب اعرج همراه شده است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۴) علمای بزرگ شیعه وی را عظیم‌القدر دانسته و در روایت، قلیل القسط، معرفی شده است. (حلی، ۱۳۸۱: ۳۷۴) مجلسی نیز از صفار با عنوان: شیخ، ثقه و عظیم‌الشأن یاد می‌نماید. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۶-۷)

اگرچه صفار در طول حیات خویش توفیق درک سه امام همام یعنی امام‌هادی، امام حسن عسکری و امام‌زمان علیهم‌السلام را داشته‌است (زکی‌زاده رنانی، ۱۳۹۰: ۱۹)، اما در کتب رجالی، صفار از اصحاب امام‌حسن عسکری علیه‌السلام به‌شمار آمده است. (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۰۲/۱) امام‌عسکری، در پایگاه نظامی و معسکر، تحت نظر بودند و به‌شدت از ایشان محافظت می‌شد تا ملاقاتی با یاران خود نداشته باشند، از این رو، ارتباط صفار با حضرت عسکری علیه‌السلام، تا زمان شهادتش سال ۲۶۰ هجری، بدین صورت ادامه داشت و به‌صورت کتبی سوالاتشان را از امام جویا می‌شدند. بدین‌سان، صفار هرگز امام یازدهم را حضوری ملاقات ننموده‌اند و در کتاب بصائر، اشاره‌ای به ملاقات حضوری خویش با امام ندارند. با توجه به اینکه نامه‌نگاری صفار با حضرت مستلزم رشد سنی و عقلی مابین ۲۰ تا ۳۰ سال را می‌طلبد، می‌توان حدس زد وی در زمان امامت حضرت عسکری علیه‌السلام، مرد عاقل و بالغی بوده است بنابراین تولد او در اوایل قرن سوم و بین سال‌های ۲۲۰ تا ۲۳۵ هجری

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

رخ داده است. (برومند و دیگران، ۱۳۹۶: ۴) عمر با برکت ایشان در سال ۲۹۰ هجری به پایان خود رسید. (ر.ك. پیش‌گفتار نگاشته شده بر بصائرالدرجات، ۱۴۰۴: ۱۴) بنابر اسناد کتاب بصائرالدرجات، صفار از محضر عالمان و محدثان فراوانی، بهره برده‌است که بیشتر آنان از مشایخ شهر قم می‌باشند. ایشان از جمله افرادی است که فهم وی ازحدیث، مورد توجه بوده است؛ برای نمونه در حدیثی از امام‌علی علیه‌السلام که می‌فرمایند: «مَنْ جَدَّدَ قَبْراً أَوْ مَثَّلَ مِثَالًا فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِسْلَامِ.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۸۹/۱) کلمهٔ «جدّد» از نظر املایی مورد اختلاف مشایخ حدیثی شیخ صدوق از جمله صفار بوده است. صفار کلمه «جدّد» را به جیم می‌خوانده است؛ یعنی «هر کسی که قبری را تجدید و بازسازی کند». و ابن ولید از صفار نقل می‌کند که وی تجدید قبر را جایز نمی‌دانست و این مسئله با مرمت قبر متفاوت است. ابن ولید نیز مانند صفار لفظ «جدّد» را با جیم می‌خوانده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۸/۱)

القاب مشهور صاحب بصائرالدرجات؛

صاحب بصائرالدرجات از القاب زیر برخوردار بوده است.

۱. «صفار» که به احتمال زیاد اشاره به روی‌گرزاده بودن وی یا اشتغال ایشان به روی‌گری داشته است.

۲. «ممولة یا حمولة»؛ که به‌نظر می‌رسد اطلاقش به این صفت، به جهت مجموعه سوالاتی است که وی از امام حسن عسکری علیه‌السلام پرسیده بود.

۳. «اعرج» که به‌خاطر وجود کجی در پای وی به این لقب مشهور شد. (زکی‌زاده رنانی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۹)؛

۴. «الاشعری» علت نسبت دادن وی به این لقب آن است که از خاندان مهاجر اعراب اشعری کوفه به شهر قم بوده و از موالیان ایرانی‌تبار موسی طلحه اشعری می‌باشد. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴)؛

۵. «قمی» و لقب قمی به جهت آن است که او از چهره‌های درخشان شیعه در شهر قم بوده است. (ملانوری شمسی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

شاگردان و راویان حدیث از صفّار قمی؛

شاگردان و راویان زیادی از صفار، حدیث آموخته و از وی روایت، نقل کرده‌اند که برخی بزرگان و دانشمندان شیعه از جمله آنها بوده‌اند. در ادامه برای رعایت اختصار فقط به بررسی سه تن از شاگردان مشهور وی بسنده می‌نماییم.

۱. علی بن حسین بن موسی بن‌بابویه؛ به‌نظر می‌رسد که پدر شیخ صدوق، جزء راویان صفار باشد. چرا که نقل پدر شیخ صدوق از صفار، بعید می‌باشد؛ زیرا تنها نقل وی از صفار، در کتاب الاجازات است و در هیچ‌یک از کتب دیگر پدر شیخ صدوق، چنین طریقی وجود ندارد. گفتنی است شیخ صدوق در روایتی از کتاب الامالی، مستقیما از صفار نقل روایت نموده است که از اشتباهات نسخۀ چاپ شده می‌باشد؛ زیرا شیخ صدوق صد سال بعد از صفار وفات یافته‌است. همین روایت به نقل از شیخ صدوق از ابن ولید از صفار نقل شده است که موید حذف واسطه می‌باشد.

۲. محمد بن حسن بن احمد بن ولید از اساتید شیخ صدوق، که شیخ صدوق در تمام کتابهایش از طریق ابن ولید، روایاتی از بصائر را نقل کرده است.

۳. محمد بن یحیی العطار، یکی از مشایخ بزرگ مرحوم کلینی نیز می‌باشد که بسیاری از روایات خویش را از طریق صفار، نقل نموده است. (زکی‌زاده رنانی، ۱۳۹۰: ۳۰) همچنین شیخ طوسی و کلینی از صفار، با واسطه روایات زیادی را نقل کرده‌اند. (صفار، ۱۴۰۴: ۲۹)

۲. آثار و تألیفات صفار

بنابر گفته رجال نجاشی، بصائرالدرجات، تنها کتاب صفار نبوده است؛ بلکه ایشان بالغ بر ۳۵ کتاب در موضوعات فقه، کلام، علوم قرآن، سیره و مناقب، اخلاق و دعا تألیف نموده‌اند، اما کتابی جز بصائرالدرجات به دست ما نرسیده‌است و سایر کتب وی از بین رفته است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴) آثار و تألیفات دیگر وی به شرح زیر، گزارش شده است:

کتاب الصلاة، کتاب الحج، کتاب التجارات، کتاب الدیات، کتاب المزار، کتاب الزهد، کتاب الملاحم، کتاب المناقب، کتاب ما روی فی شعبان، کتاب الوضوء، کتاب النکاح، کتاب المکاسب، کتاب الفرائض، کتاب الرد علی الغلاة، کتاب الخمس،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

کتاب التقیة، کتاب المثالب، کتاب الجهاد، کتاب الجنائز، کتاب الطلاق، کتاب الصید و الذبائح، کتاب المواریث، کتاب الاشربة، کتاب الزکاة، کتاب المؤمن، کتاب بصائرالدرجات، کتاب فضل القرآن، کتاب الصیام، کتاب العتق و التدبیر و المکاتبة، کتاب الحدود، کتاب الدعاء، کتاب المروءة (المروة)، کتاب الشهادات، کتاب الایمان و النذور و الکفارات، کتاب ما روی فی اولاد الائمه

گزارش نجاشی از فهرست تألیفات و آثار این محدث شیعی، نشان می‌دهد که وی در شعبه‌های مختلف علوم دینی تبحر داشته و شخصیتی صاحب رأی در عرصه‌های گوناگون بوده است.

۳. معرفی بصائرالدرجات

بصائرالدرجات، از مهمترین آثار صفار است که در حال حاضر، موجود می‌باشد. منابع متأخر نیز با همین عنوان، اقدام به نقل روایت از آن کرده‌اند؛ اما در نسخه‌های چاپ شده به این عنوان، عباراتی اضافه شده است. منشأ این مسئله این است که کتاب بصائر، دوبار توسط این محدث، نگارش یافته‌است؛ نگارش ابتدایی این کتاب به‌صورت مختصر بوده و ابواب آن با کتاب فعلی بصائرالدرجات، متفاوت بوده است؛ ولی برای تکمیل آن، کتاب را از نو بازنویسی نمودند. این امر باعث شد که نگارش اول کتاب، با عنوان بصائرالدرجات صغری و بازنویسی دوباره کتاب که کاملتر بود، به بصائرالدرجات کبری معروف گردد.

شیخ حر عاملی می‌گوید: «کتاب بصائرالدرجات متعلق به شیخ ثقه و مورد اطمینان محمد بن الحسن صفار است و در دو نسخه؛ به نام‌های صغری و کبری نگاشته شده است». (حر عاملی، بی‌تا: ۳۰/۱۵۵) البته آنچه به استناد شیخ حر عاملی از کتاب بصائرالدرجات به دست ما رسیده، از نسخه کامل بصائرالدرجات می‌باشد. شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز در کتاب الذریعه می‌نویسد: «من نسخه‌های مختلفی از کتاب بصائرالدرجات را دیدم، مشابه همان کتابی که در ایران در سال ۱۲۸۵ به چاپ رسیده بود. اما نسخه‌های کاملی نبودند، بلکه همان نسخه چاپ شده در ایران از همه کامل‌تر بوده است. تاریخ

سال نوزدهم، شمارهٔ ۷۴، بهار ۱۴۰۱

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

نگارش کتاب مشخص نیست و به‌صورت کلی می‌توان آن را به نیمهٔ دوم قرن سوم هجری نسبت داد». (صفار، ۱۴۰۴: ۳۷)

۴. هدف و ابواب بصائر

این کتاب با هدف تبیین جایگاه و منزلت ائمه علیهم‌السلام و تبیین گستره علم امام، نگاشته شده است تا تنها بر اساس روایات مندرج در آن و بدون شرح و تبیین نگارنده، گامی در جهت امام‌شناسی و جایگاه عظیم آنان و وسعت علمی آن بزرگواران، بردارد. بررسی عناوین بخش‌ها و باب‌های نگاشته شده بصائرالدرجات نیز بازتاب این هدف، در عناوین و تقسیم‌بندی احادیث این کتاب، را نشان می‌دهد: ۱. مرجعیت علمی ائمه علیهم‌السلام ۲. کیفیت خلقت ائمه علیهم‌السلام و شیعیان آنها ۳. جایگاه ائمه علیهم‌السلام در نظام تشریع ۴. وظایف مردم نسبت به ائمه علیهم‌السلام ۵. نشانه‌های الهی نزد ائمه علیهم‌السلام. (حمادی، ۱۳۹۰: ۴۰)

۵. ساختار و فصل بندی بصائر

کتاب یک جلدی بصائرالدرجات، شامل ۱۸۸۱ روایت می‌باشد که در ده بخش تنظیم شده است. اما سید محمد سید حسین معلم، در پژوهه خود در مورد نسخ مختلف بصائرالدرجات، از جمله نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، نسخهٔ بحارالانوار، نسخه بصائر تصحیح کوچه باغی و برخی نسخ کتابخانه آیت الله شبیری زنجانی، مجموع احادیث بصائرالدرجات را ۱۹۰۱ روایت عنوان نموده‌اند. (تاکی، ۱۳۹۲: ۳۹)

با توجه به این‌که ذکر تمامی عناوین ده بخش کتاب بصائرالدرجات حجم زیادی را به خود اختصاص می‌دهد از بیان آن صرف‌نظر کرده و خواننده محترم را به خود کتاب ارجاع می‌دهیم.

۶. جایگاه بصائرالدرجات در جوامع روایی شیعه

با توجه به قدمت کتاب بصائرالدرجات و مقارن بودن زمان حیات صفار، با سه امام همام و نیز مورد وثوق و قابل اطمینان بودن آن، اخذ و نگارش روایاتی در جهت شناخت ابعاد وجودی ائمه معصومین علیهم‌السلام از زبان آن پیشوایان الهی، سبب گردید این اثر نفیس، در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

بین علمای شیعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردد و از جمله اصول قدمای شیعه به‌شمار آید. بر این اساس بصائرالدرجات، منبع مستقیم نقل روایات از سوی شخصیت‌های برجسته‌ای همچون: شیخ کلینی، علی‌بن‌حسین بن بابویه (پدر شیخ صدوق)، سعد بن عبدالله اشعری، محمد بن جعفر مؤدب، محمد بن حسن بن ولید و محمد بن یحیی العطار بوده است. علامه مجلسی نیز کتاب بصائرالدرجات را از جمله اصول مأخوذه‌ای نقل می‌کند که بر پایه آن، کتاب خود را نگاشته است و از صفار با عنوان؛ شیخ، ثقه و عظیم‌الشأن یاد می‌نماید. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶-۱/۷)

۷. امتیازات بصائرالدرجات بر جوامع اربعمائة حدیثی شیعه

بر اساس معیارهای شناسایی اصول اربعمائه شیعه، قول مشهور آن است که اصول چهارصدگانه، از آنِ اصحاب همه ائمه، از زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام تا عصر امام عسکری علیه‌السلام بوده است. ولی چون بیش‌تر آن‌ها در زمان امام صادق علیه‌السلام نگارش یافته‌است، به اصحاب آن حضرت، نسبت داده می‌شود. (توحیدی، ۱۳۶۸: ۳۲۹) ولی برخی آن را مختص اصول نگارش یافته در زمان امام صادق علیه‌السلام دانسته‌اند. کلانتری می‌نویسد: «تمام اصول چهارصدگانه، در زمان امام صادق علیه‌السلام توسط اصحاب آن حضرت، نگارش شده است و غیر از آن‌ها، اصول دیگری از اصحاب دیگر ائمه علیهم‌السلام می‌باشد که به‌دست ما نرسیده است.» (کلانتری، ۱۳۷۹: ۲۵ - ۲۶). ولی علامه طهرانی در الذریعه الی تصانیف الشیعه، با نقد این دیدگاه، معتقد است: «معظم ارباب اصول، از اصحاب صادقین بوده‌اند و اصول اندکی هم از اصحاب دیگر ائمه معصومین نقل شده است و وقتی که می‌گویند نویسندگان اصول اربعمائه از شاگردان صادقین و یا امام صادق بوده‌اند، نظر به اکثر و اغلب دارند.» (آقا بزرگ طهرانی، بی‌تا: ۱۳۱/۲) برخی پا را فراتر نهاده، محدثان معاصر دوره غیبت صغری را نیز از صاحبان اصول اربعمائه برشمرده‌اند؛ «کلینی، خود از اصحاب اربعمائه بوده است و خدمت نواب خاص امام عصر عجل الله شرفیاب می‌شد و از محضر خود آن بزرگواران، نیز استفاده می‌نموده است». (ابن بابویه،۱۳۸۲: ۴۷۳) نتیجه آن‌که کلینی خود از اصحاب اصول بوده است و از امام معصوم به طور مستقیم یا بواسطه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

نواب اربعه نقل روایت می‌کند.» (پهلوان، ۱۳۸۳: ۱۲) بدینسان به‌نظر می‌رسد بتوان صاحب بصائرالدرجات که معاصر و از اصحاب امام حسن عسکری علیه‌السلام بوده و به دلیل محدودیت‌ها، از طریق کتابت، با ایشان مرتبط بوده را نیز از اصحاب اصول اربعمائه دانست.

عوامل مؤثر در برتری بصائرالدرجات

در هر صورت، برخی از عوامل تعیین کننده، باعث شده که بصائرالدرجات در میان دیگر آثار متقدم شیعه، یا به دیگرتعبیر، در میان اصول چهارصدگانه حدیثی شیعه، ممتاز شود: الف ـ اولین امتیاز آن است که مرحوم صفار معاصر امام حسن عسکری علیه‌السلام بوده و محضر امام را به‌صورت غیر حضوری درک نموده است. ب ـ نقل کلینی و دیگر مشایخ از آن، بر اعتبارش افزوده‌است. پ ـ عدم وجود هیچ گزارشی مبنی بر تصحیف، تحریف، دستبرد، کاستی و افزون‌سازی در بصائرالدرجات، نشان‌گر آن است که این کتاب به‌صورت ترکیب اولیه به دست ما رسیده‌است. ت ـ موضوع و محور آن، بحث امامت است، آن هم به شیوه تبیینی، نه احتجاجی. ث ـ تبویب دقیق صفار که حدود ۱۹۰۰ حدیث را در ده جزء آورده و در دل هر جزء ابواب مختلف را جای داده که جمع کل ابواب ۱۸۹ باب است. این تبویب سبب شده تا بازیابی مطالب آسان شود. ج ـ استناد یا استشهاد فراوان به آیات قرآن در بصائر، به نوعی که می‌توان آن را از منابع تفسیر مأثور نیز به شمار آورد. چ ـ احادیث تکراری در متن کتاب اندک است. ح ـ نسخه‌های خطی زیادی (بیش از پنجاه نسخه) از آن وجود دارد که تاریخ کتابت آنها از سال ۵۹۱ تا ۱۲۸۹ هجری قمری است. (طالعی، ۱۳۹۵: ۳) خ ـ نقل روایت به همراه سند در بیشتر روایات بصائر و ذکر سندهای مختلف برای متن روایی آن که اطمینان عرفی به صدور مضمون روایت را به همراه دارد بر ارزش و غنای کتاب افزوده و آن را در زمرهٔ تألیفات ارزشمند قرار داده است. (تاکی، ۱۳۹۲: ۴۱)

۸. تأثیرگزاری بصائرالدرجات بر سایر کتب شیعه

برابر پژوهش‌ها «کتاب بصائرالدرجات، بر کتب متقدم و متأخر روایی بسیاری، تأثیر گذاشته‌است؛ از آن جمله، کتاب کافی شیخ کلینی، آثار شیخ طوسی و مفید،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

وسائل‌الشیعه شیخ حر عاملی و بحارالانوار علامه مجلسی را می‌توان نام برد. همچنین شیخ صدوق، بسیاری از احادیثِ صفار را در آثارش نقل نموده است، با توجه به این که همه آثار شیخ صدوق در دسترس نیست، نمی‌توان میزان به‌کارگیری وی از نگاشته‌های صفار را برآورد نمود ولی به‌طور تقریبی، می‌توان گفت صدوق بیش از ۸۲۶ حدیث از صفار نقل کرده است.» (رحیمی، ۱۳۹۳: ۲۶) بنابراین روشن می‌شود که «کمترین نقش و فایده بصائر این است که حلقه پیوندی بین دستاورد محدثان سده دوم و سوم، با نسل‌های بعدی گردیده‌است. آن هم با نظم منطقی و دقیق در کسوت منشور روشن امامت که مشعلی جاودانه برای آیندگان برافروخته‌است.» (طالعی، ۱۳۹۵: ۸)

یکی از عوامل از بین رفتن بسیاری از آثار شیعه، نگارش جوامع حدیثی بوده است؛ زیرا کتب اربعه، از آثار مرجع شیعه به شمار می‌رفته که سبب بی‌نیازی نسبت به سایر کتب می‌گشته‌است. عدم استنساخ سایر آثار شیعه از جمله کتاب‌های صفار، سبب از بین رفتن آنها شده است. اگر در برهه‌ای از زمان کتابی با همان عنوان و سبک نگارشی شهره‌تر نسبت به سایر کتب بوده به‌طور طبیعی سایر کتب غیرمشهور کنار گذاشته می‌شد و به نسخه‌برداری کتاب مشهورتر، بسنده می‌نمودند.

۹. منابع اصلی بصائرالدرجات

اگر چه صفار، همزمان با سه امام می‌زیسته، ولی در کتاب بصائرالدرجات، به‌صورت مستقیم از امام‌هادی و امام‌حسن عسکری علیهما‌السلام، روایتی نقل ننموده است. همچنین علی‌رغم این که وی در عصر دو نائب خاص امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌زیسته، اما روایتی بدون واسطه از آن حضرت نقل نکرده است. لذا نامه‌هایی به محضر امام‌عسکری علیه‌السلام نوشته و حضرت در مقام پاسخگویی، جواب آن را برای صفار، ارسال نموده است، بدین رو یکی از منابع مهم صفار، توقیعاتی است که از امام دریافت نموده است و خوشبختانه نزد شیخ صدوق، یافت شده و توسط وی، نقل شده است.

افزون بر توقیعات امام‌عسکری علیه‌السلام، صفار از کتابی به نام «الصحیفه» در نقل روایات

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

استفاده نموده است. این کتاب صحیفه‌ای است حاوی آنچه حضرت علی علیه‌السلام، آن را به غلاف شمشیرش می‌آویخته و مجموعه‌ای از احکام حلال و حرام شریعت در آن صحیفه وجود داشته‌است. محدثانی از اهل‌سنت همچون بخاری که هم‌عصر صفار بوده، با انتساب این کتاب به حضرت علی علیه‌السلام، متذکر شده‌اند که صفار، به نسخه‌ای از این کتاب دسترسی داشته‌است. (غفار، ۱۴۱۶: ۲۵) بررسی نگارندگان نشان داد که به جز تصریح دو منبع پیش‌گفته، در هیچ نوشته یا پژوهه دیگر این مطلب نیامده است، ولی با عنایت به آن که صفار همانند بسیاری از قدما، منابع نقل حدیثی خود را، به روشنی نام نبرده‌است، می‌بایست منابع کتاب قدما را به قرینه و به صورت احتمالی، به‌دست آورد و بر این اساس، نمی‌توان آن را نفی نمود. «این نگرش به آثار قدما ـ که در اصطلاح علم کتابداری ـ تحلیل استنادی می‌نامند که نگاهی جدید با نتایج و ثمرات جدید است.» (طالعی، ۱۳۹۵: ۷)

افزون بر موارد فوق، احتمالا صفار دست کم از سیزده منبع، به نام‌های تفسیر القرآن / ابوحمزه ثمالی، النوادر/ ابوحمزه ثمالی، کتاب حسن بن عباس بن حریش، کتب عبدالرحمن بن کثیر هاشمی، کتاب حریز بن عبدالله سجستانی، کتاب عمار ساباطی، کتاب جابر جعفی، کتاب عمر بن اذینه، کتاب قاسم بن محمد جوهری، کتاب یحیی بن عمران حلبی، کتاب خالد قلانسی، کتاب عبدالغفار جازی، کتاب عبدالله بن میمون قداح، کتاب سلیمان بن داوود منقری، در نگارش بصائر، بهره‌گرفته‌است. (جعفری ربانی، ۱۳۹۴: ۳۰۰-۳۱۴)

۱۰. گونه‌شناسی احادیث بصائرالدرجات

احادیث کتاب بصائر، درباره امامت، ائمه علیهم‌السلام، شناخت سیره و گستره علمی ائمه است که می‌توان برخی از گونه‌های آن را یادآور شد:

الف ـ روایات تأویلی: این دسته از روایات در بیان تأویل برخی از آیات قرآن می‌باشد و نویسنده به نقل روایاتی از اهل‌بیت ذیل آن آیه اکتفا نموده و شرح و توضیحی را از جانب خویش در انتهای احادیث بیان ننموده است. برای نمونه؛ از امام رضا علیه‌السلام دربارۀ آیات:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

﴿الرَّحْمَنُ* عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾ (الرحمن/۱و۲)، پرسیدم. حضرت علیه‌السلام فرمود: «خداوند عزّوجلّ، قرآن را به محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله آموخت». پرسیدم: ﴿خَلَقَ الإِنسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ (الرحمن/۳و۴) یعنی چه»؟ فرمود: «او، علیّ‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام است. خداوند بیان هرچیزی را که مردم به آن نیاز دارند، به او آموخته است (صفار، ۱۴۰۴: ۱۸۵).

ب ـ روایات تفسیری: در کتاب صفار روایتی از صفوان از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که برخاسته از بیانات تفسیری حضرت صادق علیه‌السلام است. صفوان از امام صادق علیه‌السلام نسبت به مصداق و مخاطب آیه: ﴿وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ﴾ (الزخرف/۴۴) سوال می‌پرسد و اینکه این افراد چه کسانی هستند»؟ امام علیه‌السلام فرمود: «ما هستیم». (صفار، ۱۴۰۴: ۳۷)

ج ـ روایات جری و تطبیق: آیات قرآن در طول زمان، در جریان است و بنا به فرا خور حال بر اموری قابل تطبیق می‌باشد برای نمونه در کتاب بصائرالدرجات آمده است که آیات: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ﴾ (قصص/۵) و نیز ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (مومنون/۱۰۵) مطابق بر بشارت خداوند به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشد که اهل بیت ایشان مالک زمین می‌گردند و بعد از شهادتشان به دنیا باز گردانده می‌شوند و دشمنان خویش را می‌کشند. (صفار، ۱۴۰۴: ۱۵۹)

د ـ روایات صعب و مستعصب: منظور از امر بسیار مشکل، تحمل مقام و ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام است که برخی از مراتب آن، برای توده مردم قابل تحمل نیست. (مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱) به عنوان نمونه صفار در بصائر الدرجات آورده است که ابراهیم بن هاشم از ابی عبدالله برقی از ابن سنان از امام صادق علیه‌السلام. «حدیث ما صعب و مستصعب است، تحمل آن را جز سینه‌های نورانی، یا دلهای سالم، یا اخلاق نیکو ندارد، همانا خدا از شیعیان ما پیمان (بولایت ما) گرفت، چنان‌که از بنی آدم (به ربوبیت خود) پیمان گرفت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ پس هر که نسبت به ما (به‌پیمان خویش) وفا کند، خدا بهشت را به او پاداش دهد، و هر که ما را دشمن دارد و حق ما را به‌ما نرساند، همیشه و جاودان در دوزخ است». (صفار، ۱۴۰۴: ۲۵)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

۱۱. بررسی نقدهای بصائرالدرجات

از جمله ویژگی‌هایی که محدثان قم به آن مشهور بودند، سختگیری و دقتِ نظر و نکته‌بینی در نقل حدیث بوده است. با توجه به این که صفار قمی، اواخر عمر خویش را در عصر غیبت صغری گذراند و در آن دوران، غالی‌گری، در شهر قم رواج فراوانی یافته بود، عالمان شیعی، مبارزات گسترده‌ای با غلات به هدف جلوگیری از نقل روایات ضعیف و یا غلوآمیز، آغاز کرده بودند. مرحوم صفار نیز در این مبارزه علمی و حدیثی فعال بوده است. تا جایی که فهرست‌نویسان، کتاب «الرد علی الغلاة» را از جمله تألیفات وی برشمرده‌اند. اما بحث غلوآمیزبودن برخی از روایات صفحات ابتدایی کتاب بصائرالدرجات (تصحیح کوچه باغی) مطرح شده است. مامقانی با واسطه‌ای از علامه مجلسی نقل می‌کند که علت عدم نقل روایت ابن ولید از بصائرالدرجات، به خاطر آن می‌باشد که روایات بصائر نزدیک به غلو است. (صفار، ۱۴۰۴: ۷) دلیل این انگاره، سخن نجاشی و شیخ طوسی است؛ نجاشی طریقی را از ابوالحسین علی بن احمد بن محمد بن طاهر الاشعری القمی از ابن ولید نقل نموده که وی تمام کتاب صفار، به جز بصائرالدرجات را ذکر کرده است. نیز از شیخ طوسی در فهرست، طریقی از ابن ابی جید از ابن ولید نقل شده که ابن ولید همه کتب صفار و روایاتش را برای ابن‌جید نقل نموده و فقط کتاب بصائرالدرجات را از نقل استثنا نموده است. (طوسی، بی‌تا: ۴۰۸).

گفتنی است آقای حسین غفاری ثمر نیز در پایان‌نامه خود، بررسی‌هایی در مورد برخی روایات مشکوک به غلو در کتاب بصائرالدرجات انجام داده است. وی آن روایات را با کتب اربعه شیعه، مقابله نموده و به این نتیجه رسیده‌است که روایات مذکور از نظر مفهوم و در میان دیگر احادیثی که از محدثان بزرگ شیعه نقل شده در نشان‌دادن مقام و منزلت و توانایی‌های معنوی و انسانی امامان علیهم‌السلام، دچار اغراق شده و به آنها، شخصیت فرا انسانی داده است. این احادیث، از نظر محتوا، دارای مضامینی بوده که مورد تأیید هیچ یک از محدثان و عالمان شیعی نبوده است. به همین دلیل، اجازه روایت آنها را به خود نداده‌اند و این مسئله را دلیل محکمی بر اثبات این فرضیه دانسته که روایات مشابه در مورد ائمه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

اطهار علیهم‌السلام که در تعداد زیادی از منابع معتبر امامیه ذکر شده‌اند، چنین دیدگاهی را تایید نمی‌کنند. (غفاری ثمر، ۱۳۹۴: ۸۰-۱۴۸) تذکر این نکته لازم است که روایات مشکوک به غلو، بخش محدودی از کتاب بصائر را تشکیل می‌دهد و بسیاری از روایاتِ کتاب مزبور در مورد شأن و منزلت ائمه شیعه، کاملا معتبر و نزد محدثان و علمای شیعه پذیرفته شده است. در عین حال، این کتاب نیز مانند بسیاری دیگر از منابع حدیثی، نیاز به پالایش توسط متخصصان این فن را دارد. (برومند و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹)

دیدگاه دیگری که مبنی بر وجودِ روایات غلو در بصائرالدرجات است، نقل مؤلف بصائر در مقدمه کتاب است. اگر از ابتدا تا انتهای کتاب را ملاحظه نماییم مبحثی در رابطه با غلو موجود نیست، مگر اینکه نقل تعدادی از روایاتی که در بصائر وجود دارد به لفظ یا مضمون آن در کتاب الاختصاص، تفسیر عیاشی، کتاب صدوق و کلینی است. پس به مجرد عدم نقل ابن ولید دلالت وهن در کتاب بصائرالدرجات پدید نمی‌آید و عملکرد ابن ولید ناشی از اختلاف نظر در مورد مقام و فضایل ائمه علیهم‌السلام است. (صفار، ۱۴۰۴: ۷)

همچنین طریق دیگری نیز از کلام نجاشی ذکر شده است که از احمد بن محمد بن یحیی‌الاشعری از پدرش، محمد بن یحیی‌العطار نقلی را ارائه می‌دهد که در آن طریق العطار همه آثار صفار و از جمله کتاب بصائر را از صفار روایت کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴) سخن از این موضوع نیست که نامی از بصائر را نیاورده باشد. همچنین سه طریقی که در مورد کتاب بصائر ذکر شده چنین است: «اخبرنا بجمیع کتبه و روایاته ابن ابی جید عن محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن الحسن الصفار و اخبرنا جماعة عن محمد بن علی بن الحسین عن محمد بن الحسن (ابن ولید) عن محمد بن الحسن الصفار عن رجاله الا کتاب بصائرالدرجات فانه لم یروه عنه (محمد بن الحسن) بن الولید و اخبرنا الحسین بن عبید الله عن احمد بن محمد بن یحیی عن ابیه عن محمد بن الحسن الصفار. (طوسی، بی‌تا: ۴۰۸) به جز طریق سوم که برای غیر ابن ولید است، دو طریق دیگر یک جزء مشترک دارد و آن ابن ولید است و عبارت شیخ در طریق دوم: «فانه لم یروه عنه» به هر دو طریق اول و دوم باز می‌گردد نه فقط به طریق دوم و در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

طریق تحویلی چنین است که اگر قرینه‌ای برای یک جزء مشترک اتفاق بیفتد در هر دو طریق تأثیر می‌گذارد و ابن ولید یک جزء مشترک در هر دو طریق است و عدم نقل بصائر را دارد. و فرقی نمی‌کند که در یک طریق عدم نقل او ذکر نشده باشد». این کلامی است که بزرگانی از رجال همچون آیت الله شبیری زنجانی و فرزندشان آن را بیان می‌کنند. در رابطه با بحث غلو بر فرض اگر ثابت شود که ابن ولید بخاطر بحث غلو این کتاب را استثنا نموده است ضرری به این کتاب نمی‌زند. زیرا اختلاف در معنای غلو وجود دارد و چون در بصائر اعتقادات خاصی درباره ائمه مطرح شده است شاید از طرف برخی علمای قم در آن زمان متهم به غلو بوده است. زیرا؛ یکی از عواملی که باعث شد تا در قرن چهارم هجری اختلافی اساسی میان دو گروه از علمای شیعه پدید آید، مشخص نبودن معنای غلو بوده است. جالب آن است که بعضی از موارد و اعتقاداتی که باعث می‌شد تا شخصی از سوی قمی‌ها به غلو متهم شود، اعتقاداتی درباره ائمه است که هم اکنون جزء ضروریات یا مثل ضروریات مذهب شیعه شمرده است. اینکه در مورد این کتاب گفته می‌شود که روایات غلوآمیزی دربردارد، باید بگوییم بصائر حتی به رتبه واقعی اهل‌بیت نیز در حقیقت نزدیک نشده است و این حقیقتی است که بسیاری از عالمان شیعی به آن اعتراف نموده‌اند. (زکی‌زاده رنانی، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۷)

۱۲. بررسی انتساب بصائرالدرجات به صفار

نکته نخست قابل ذکر، آن است که سعد بن عبدالله اشعری قمی (معاصر صفار) نیز کتابی با همین عنوان داشته که به دست ما نرسیده، ولی بخشی از آن در کتاب مختصر البصائر، حلی آمده است. (برومند و دیگران، ۱۳۹۶: ۸)

نکته دوم در انتساب، علت تردید، اشتمال روایات آن کتاب بر مطالبی است که به‌نظر برخی، غلوآمیز می‌آمده است و موجب دوگانه انگاری در مورد مؤلف آن شده است. ولی پژوهش‌ها نشان می‌دهد در مورد تشخیص و شاخصه‌های غلو، تغییراتی پدید آمده است. «بعد از زمان شیخ مفید، محافل امامیه که تحت تأثیر عقل‌گرایی قرار گرفته بودند و دغدغه‌شان این بود که گرایش اهل‌سنت به «راست آیینی» را آشکارا به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

چالش نکشند، به همین دلیل، نسبت به محتوا و ماهیت کتاب نگاشته شدهٔ صفار، توجهی در خور نداشته، بلکه برای تقیه و کتمان، چنین وانمود می‌شد که گویا صفار آن کتاب را تألیف ننموده است. این رویکرد تا آنجا پیش رفت که صفار قمی را صاحب بصائر، نمی‌دانستند. ابن داود حلی که یکی از مشهورترین تذکره نویسان امامیه است – با معنی و به‌صورت حساب شده- در جایی صفار را محمد بن حسن بن فروخ یاد می‌کند و امانتداری و احساس مسئولیت وی را، به‌عنوان راوی حدیث می‌ستاید، اما وقتی نام صاحب کتاب بصائرالدرجات، محمد بن حسن صفار را ذکر می‌کند، هیچ یک از القاب و اوصاف رایج درباره امانتداری (توثیق) را در مورد او به‌کار نمی‌برد. اردبیلی نیز در اثر مهم خود جامع‌الرواة، همین رویه را تکرار نموده است. اما پس از بررسی منابع به این اصل رسیده که این دو نفر یعنی؛ محمد بن حسن بن فروخ و محمد بن حسن صفار، یکی بوده‌اند. هر چند این دوگانگی در آثار سایر مؤلفین وجود ندارد و آنها نقل واحدی را در مورد صفار ذکر کرده‌اند. اما به‌نظر می‌رسد دوگانه‌سازی ابن داود حلی و اردبیلی در مورد صفار قمی، بازگوکنندهٔ موضع دوگانهٔ همه علمای اثنی عشری، یا دست کم، عالمان پس از قرن پنجم هجری بوده است.» (امیر معزی، ۱۳۹۰: ۲۰)

لازم به ذکر است که دیدگاه دیگری نیز در رابطه با این مسئله وجود دارد و آن این است‌که ابن داود حلی در رقم ۱۳۲۵ کتاب رجال خویش، در ذیل عنوان «محمد بن حسن صیرفی» نام «محمد بن حسن صفار» را می‌آورد. دلیل این ذکر آن است که وی، بعد از «محمد بن الحسن» به حرف صاد رسیده و «صیرفی» را ذکر می‌کند و به جهت یادآوریِ نام مشهور «صفار» را نیز آورده است بدون این که حتی شماره‌ای برای آن در نظر بگیرد و در رقم ۱۳۳۱ بعد از عنوان «محمد بن حسن بن فروخ»، الصفار را دوباره ذکر می‌کند که خواننده متوجه باشد این شخص همان محمد بن حسن صفار است که یک صفحه قبل، آن را ذکر کرده بود. در حقیقت با این کار خواسته این مطلب القا شود که این راوی با دو نام مشهور است و او را با دو نام می‌شناسند. یکی از باب لقب اصلی او که «صفار» است و یکی از باب «فروخ» که لقب جدش است. اما این که چرا ابن داود در جایی محمد بن حسن صفار را توثیق نموده و در جایی دیگر این کار را انجام نداده است شاید به این

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

برمی‌گردد که ابن داود در کتاب رجالیش به شکل مستقل به توثیق و تضعیف نپرداخته است و فقط کتاب را به دو بخش افراد مورد اعتماد (ممدوحین) و ضعفاء، اختصاص داده است. جهت دیگر این‌که روش دانشمندان رجالی این است که در برخی موارد نام یک راوی را در دو جا یا بیشتر ذکر می‌کنند که این امر دلایل گوناگون دارد و نمی‌توان گفت که این کار را به خاطر عدم تمیز و تشخیص انجام داده‌اند. (زکی‌زاده رنانی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۹)

نتیجه‌گیری:

یافته‌های این پژوهه در مورد کتاب بصائرالدرجات به شرح زیر می‌باشد:

۱ـ کتاب بصائر صفار مجموعه‌ای از روایات اعتقادی درباره امام و مقامات امامان است که ۱۸۸۱ حدیث را در خود جای داده است. این روایات، به گونه‌های مختلف همچون: روایات تأویلی، تفسیری، جری و تطبیق، صعب و مستعصب و..... قابل تقسیم‌بندی است.

۲ـ بصائرالدرجات به‌عنوان یکی از اصول اربعمائه از منابع مهم کتب کلینی، شیخ طوسی و شیخ صدوق بوده است و همین امر بر وثوق این کتاب صحه می‌گذارد.

۳ـ شواهد نشان می‌دهد کتاب بصائرالدرجات به طور قطع، منتسب به صفار قمی می‌باشد و تردید در انتساب کتاب به وی از یك سو، به‌خاطر کتاب دیگری به همین نام به تألیف سعد بن عبدالله اشعری قمی (معاصر صفار) و از سوی دیگر، رواج عقل‌گرایی و غلوانگاری پاره‌ای از احادیث آن در نگرش برخی، شکل گرفته و موجب دوگانه انگاری میان صفار و صاحب کتاب بصائرالدرجات شده است.

۴ـ وجود غلو در بصائرالدرجات، متوجه اندکی از روایات آن است و میزان قابل توجهی از احادیث کتاب مزبور در شأن و منزلت ائمه شیعه، کاملا معتبر است و این کتاب نیز همانند بسیاری دیگر از منابع حدیثی، نیاز به پالایش توسط متخصصان این فن را دارد. این غلوانگاری نیز، برآمده از تفاوت آرا در مورد معنا و مصادیق غلو در میان اندیشمندان شیعی در دوران‌های مختلف است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

منابع

قرآن کریم
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق علی اکبرغفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق.
۲. ----------، کمال الدین و تمام النعمه، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲ش.
۳. آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، نجف، مطبعه الغری، بی‌تا.
۴. امیرمعزی، محمدعلی، «صفار قمی و کتاب بصائرالدرجات»، مترجم ابوالفضل حقیری قزوینی، فصلنامه امامت پژوهی، ۱۳۹۰ش.
۵. برومند، عباس/غفاری ثمر، حسین، «مقایسه محتوای کتاب بصائرالدرجات با منابع معتبر روایی شیعه»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهرا علیها السلام، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ش.
۶. پهلوان، منصور، «کافی و اصول اربعمائه»، مجله سفینه، شماره ۳، ۱۳۸۳ش.
۷. تاکی، مرضیه، بن‌مایه‌های قرآنی در جزء ۲ و ۳ بصائرالدرجات، ۱۳۹۲ش.
۸. توحیدی، ناصر، سیر حدیث در اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸ش.
۹. جعفری ربانی، مجید، جستاری درباره بصائرالدرجات، انتشارات امامت اهل بیت، چاپ اول، قم، زمستان ۱۳۹۴ش.
۱۰. حلی، حسن بن سلیمان، مختصرالبصائر الدرجات، موسسة النشرالاسلامی، ایران، قم، ۱۴۲۱ق.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف، ترتیب خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۸۱ش.
۱۲. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، بی‌تا.
۱۳. حمادی، عبدالرضا، گستره علم امام در مقایسه روایات اصول کافی و بصائرالدرجات، ۱۳۹۰ش.
۱۴. رحیمی، جعفر، «جایگاه محمد بن صفار و کتاب بصائرالدرجات در میراث حدیثی شیعه»، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، زمستان ۱۳۹۳ش.
۱۵. زکی‌زاده رنانی، علیرضا، تصحیح بصائرالدرجات فی علوم آل‌محمد صلی الله علیه و آله، ۱۳۹۰ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]

۱۶. طالعی، عبدالحسین، «نقد و بررسی کتاب جستاری درباره بصائرالدرجات: پژوهشی نو در کتاب کهن»، آینه پژوهش، زمستان ۱۳۹۵ش.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن، الابواب (رجال‌الطوسی)، موسسة النشرالاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۸. ----------، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، محقق و مصحح: عبدالعزیز الطباطبایی، قم، مکتبة المحقق الطباطبائی.
۱۹. غفاری‌ثمر، حسین، بررسی صحت انتساب کتاب بصائرالدرجات به سنت فکری شیعه امامیه اثنی عشری، ۱۳۹۴ش.
۲۰. غفار، عبدالرسول، الکینی و الکافی، قم: جماعة المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، موسسه النشرالاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۲۱. کلانتری، علی اکبر، «اصول اربعمائه یا نخستین مرحله فقه شیعه»، مجله علمی پژوهشی فقه، شماره ۲۵ و ۲۶، ۱۳۷۹ش.
۲۲. ملانوری شمسی، محمدرضا / غفوری نژاد، محمد، «تبیین کم شماری احادیث مهدویت و غیبت در «بصائرالدرجات»»، مجله پژوهشی مشرق موعود، ۱۳۹۴ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، موسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مرتضوی، سید محمد / حسن‌زاده، مهدی، تحلیل معنایی حدیث «امرنا صعب مستعصب»، فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، بهار ۱۳۹۴ش.
۲۵. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: موسسة النشرالاسلامی، ۱۳۶۵ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.1.8]